

## بررسی مفاهیم و مواضع سلام و مشتقات آن در قرآن کریم

علیرضا صالحی<sup>۱</sup>

### چکیده:

بی‌شک یکی از جلوه‌های عظمت قرآن کریم، گزینش اعجاب آور و هدفمند هر یک از واژگان این کتاب در مرحله اول و چینش هنرمندانه و بی‌بدیل آنها در کنار یکدیگر، برای تجلی آیات الهی است. یکی از واژگان پرکاربرد و دارای گستره معنایی فراوان قرآن کریم سلام است که در حدود (۴۰) آیه به کار رفته و هم خانواده‌های آن در (۷۳) آیه نمود یافته است. با توجه به تنوع معانی سلام و فراوانی کاربرد آن در قرآن کریم، در این مقاله ضمن تحلیل محتوایی هر یک از سلام‌های به کار رفته در قرآن کریم، درباره مشتقات این واژه آسمانی و ارتباط آن با برخی واژه‌ها نظیر تحیت و امنیت اشاره خواهد شد. در پایان نیز جداولی در زمینه سلام فرستندگان و سلام گیرندگان در قرآن از ایه می‌شود.

### واژگان کلیدی:

قرآن کریم، سلام، تحلیل، تفسیر

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

#### مقدمه:

تدبّر و تأمل در آیات کریمه قرآن مجید، سفارش همیشگی خداوند به بندگان خویش است؛ تا از این راه حجابهای تنیده در اطراف دلهایشان را برداشته و نور معرفت و یقین در جانهایشان دمیده شود. هر چند که تلاوت قرآن و خواندن آیات الهی به حکم آیه شریفه: « فَأَقْرَأُوا مَا تَسْرُّ مِنَ الْقُرْآنِ » از فضیلت و بهره فراوانی برخوردار است، اما آنچه اصل و مبنای بهره مندی از حقیقت قرآن و کشف اسرار و رموز بی انتهای آن است تدبّر و تعقل در آیات است. اگر خداوند منکران قرآن را به مبارزه می طلبد تا چون سوره ها و آیات الهی، سوره یا آیاتی بیاورند و در پی آن با تاکید فراوان و قاطعیت، آنان را در این عرصه ناتوان و درمانده می خواند، موضوع بیشتر از آنچه که به لفظ و پوسته مربوط باشد، با عمق معانی و ژرفای معارف این کتاب شریف ارتباط دارد. معانی و معارفی که حد و مرزی برای آن نمی توان تصور کرد و هر کس به اندازه گنجایش و ظرفیت وجودش از زلال این دریای بیکرانه می تواند بهره مند گردد. از همین رو اگر وجود نازنین پیامبر اعظم (ص) با آن شان و مقام ویژه و بی بدیلی که خداوند به او ارزانی داشته و به شرف وجودش افلاک را آفریده، و نیز وجود فرزندان و جانشینان خلف آن حضرت که هر یک چونان ستاره ای درخشان، آسمان معرفت و ایمان را روشنی می بخشند، نبود، به قطع و یقین، آن اندک معارف قرآنی نیز که در قالب کتب تفسیری متعدد از طرف، مفسران قرآن کریم نقل گردیده و نگاشته شده، امروز در اختیار ما نبود، در عمل دیواری بلند میان ما و این کتاب آسمانی کشیده می شد. دیواری که امروز اهل حقیقت و معرفت، میان بسیاری از قرآن خوانان گریزان از ولایت واقعی پیامبر (ص) و اهل بیت آن حضرت و قرآن کریم به وضوح و روشنی می بینید.

بر این پایه، آنان که در عرصه شریعت خاتم پیامبران، پای نهاده و پایبند اسلام این دین الهی، که اتم و اکمل همه ادیان آسمانی است، شده اند، وظیفه دارند در آیات قرآن، به عنوان منشور و سند مکتوب دین مبین اسلام، با پشتوانه دانش و خرد و تکیه بر سنت جاودانه پیامبر (ص) و معصومین (علیهم السلام) تدبّر و تأمل نموده و دریافته های خود را

در معرض دید و قضاوت دیگران قرار دهند.

از این رو، نگارنده، چونان شاگرد کوچکی که سالها پای ارادت بر آستان بلند معارف قرآنی نهاده و خوشه چینی در گه اهل معرفت نموده، همتش را در شناخت بخشی از حقایق واژه قرآنی و آسمانی «سلام» مصروف داشت. با عنایت خداوند سلام، آنکه جمله جلوه های سلام از اوست. بدو نزدیک شود نیز باز می گردد، توفیق یافت نکته های قابل تاملی را درباره این کلید واژه قرآنی و زوایای گسترده آن فراهم آورد که بخشی از آن را در این مقاله، به خوانندگان عزیز قرآنی تقدیم می کنیم؛ به امید آن که این گامهای هر چند کوتاه و شاید از منظری نااستوار، زمینه ای باشد برای برداشتن قدمهایی بلند و استوارتر در عرصه گرانقدر قرآن پژوهشی و درک طنین دلنواز و جان بخش معارف قرآنی.

Archive of SID

### طرح مسئله :

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی و معجزه گویای خاتم پیامبران ، به عنوان یگانه منبع «لا ریب فیہ» مسلمانان ، چونان چراغی تابناک و دریایی خروشان ، آکنده از گوهرهای معرفت و معنا ، نقش هدایت گری و راهبری انسان در هر زمان و مکانی را بر عهده دارد. عمق معانی و ژرفای معارف قرآنی ، رمز توصیه های مکرر الهی در تدبیر و تفکر در آیات و پرهیز از ساده انگاری و پوسته گرایی در برخورد با کلام شریف خداوند است.

بی تردید هر اندازه شناخت انسان از قرآن کریم و معانی آن فزونی یابد ، زلال معرفت و هدایت بیشتری را خواهد نوشید و جلوه های والاتری از حقایق عالم هستی بر او رخ می گشاید.

از زمان نزول قرآن کریم تا کنون ، شیفتگان معارف قرآنی ، در حد و اندازه بضاعت علمی خود ، کوشیده اند تا جلوه هایی از اسرار آخرین کتاب وحی الهی را روشن و آشکار سازند. مجموعه این تلاشها در قالب دهها تفسیر و ترجمه های گوناگون از قرآن ، رخ نموده است. در حوزه ی جلوه های بلاغی و اعجاز کلامی قرآن هم آثار متعددی عرضه شده است. از طرف دیگر در زمینه مفردات قرآنی و صرف و نحو آیات الهی تلاشهای قابل توجهی صورت گرفته است. اما در روزگار ما با توجه به رشد و توسعه ابزارهای تحقیقاتی و اطلاع رسانی ، به ویژه کارهای شایسته ای که در خصوص آماده سازی نرم افزارهای قرآنی صورت گرفته ، باب جدیدی در حوزه قرآن پژوهشی گشوده شده و امید می رود که با استفاده مفید از امکانات بوجود آمده ، بتوان جلوه های بیشتری از اعجاز و اسرار این کتاب آسمانی را آشکار ساخت. در این عرصه به نظر می رسد پرداختن دقیق به تک تک واژه های قرآنی و بررسی موقعیت و مقام هر واژه در آیه و در ارتباط با کل آیات قرآن کریم ، می تواند راهگشا باشد. این کار علاوه بر اینکه به توسعه معارف قرآنی منجر می شود ، می تواند دقایق و ظرایف زبانی ، ادبی ، بسامدی و معنایی و سایر جلوه های واژه های قرآنی را آشکارتر سازد.

سلام از جمله کلید واژه های قرآنی و دربر دارنده بخش مهمی از پیامهای دین مبین اسلام و آیین مسلمانی است که نزدیک به چهل بار در شکل های مختلف در آیات قرآن کریم به کار رفته است. علاوه بر این هم خانواده این کلمه قرآنی نیز به صورت های گوناگون ۸۸ بار در کتاب آسمانی مسلمانان نمود یافته است. سلام از جمله واژه هایی است که دارای گستردگی معنایی بسیار زیادی است و با بررسی های بعمل آمده بیش از ۱۵ معنای کلی برای این کلمه در فرهنگ های معتبر فارسی و عربی بیان گردیده است. با توجه به گستردگی و تنوع مفاهیم واژه سلام بررسی این نکته که سلام و هم خانواده های آن در هر یک از آیات متعددی که این واژه قرآنی در آنها بکار رفته چه مفهومی داشته و در چه موضعی مورد کاربرد قرار گرفته است از اهمیت فراوانی برخوردار است در این تحقیق کوشیده شده ضمن بیان مفاهیم و مواضع سلام و مشتقات آن با استفاده از بخش مهمی از تفاسیر با مشرب ها و روش های تفسیری گوناگون، به رابطه این کلمه با دیگر واژه های قرآنی نظیر تحیت و امن اشاره شده، و سیمای روشنی از موقعیت و جایگاه سلام در قرآن کریم ارائه گردد.

### تحلیل مبانی تفسیری سلام در قرآن کریم

در مجموعه فرهنگهای معتبر عربی و فارسی، معانی بسیار گسترده و وسیعی برای واژه سلام ذکر گردیده است که در مواضع مختلف کاربرد داشته و از گذشته تاکنون، اگرچه نه در یک حد و اندازه، مورد استفاده قرار گرفته اند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- سلامت، سلامتی از تمامی آفات، سالم، پاک و بری

۲- نامی از نامهای خداوند

۳- عافیت، آرامش

۴- امنیت، ایمنی، در امان ماندن از یکدیگر

۵- مسالمت و آشتی

۶- درود و تهنیت

- ۷- خداحافظی و تودیع
- ۸- بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری
- ۹- تسلیم شدن و گردن نهادن
- ۱۰- سخن خالی از لغو، قول محکم و هدفمند
- ۱۱- نام درخت بزرگی که از هر نوع آفتی در امان است.
- ۱۲- نام سنگی سخت است که از سستی در امان و سلامت است، سنگهای بزرگ و کوچک، سنگهای پهن
- ۱۳- اجازه گرفتن
- ۱۴- تعظیم و تکریم
- ۱۵- چوبی دراز مانند شاخه درخت. (رک: صالحی، ۸۸-۱۰۲)
- برای آنکه روشن شود معانی و مفاهیم به دست آمده از کتابهای لغت و فرهنگنامه‌ها تا چه حد در سلامهای قرآنی تجلی و نمود یافته‌اند، پس از شناسایی تمام آیاتی که سلام در شکل‌های مختلف نحوی در آنها به کار رفته است، برای درک معنا و مفهوم واقعی سلام در هر آیه، مجموعه‌ای از تفاسیر برجسته قرآن کریم با ویژگی‌های مختلف و با مشرب‌ها و رویکردهای گوناگون و از جمله آنها تفسیرالمیزان، نمونه، نور، روح البیان، مجمع البیان، کشف الاسرار و عده‌الابرار، سورآبادی، بیان السعاده، روح المعانی، کبیر فخررازی و ... مبنای کار قرار گرفت و پس از مطابقت‌ها و بررسی‌های گسترده نتایج زیر حاصل گردید.
- ۱- با بررسی تفسیری صورت گرفته بر روی (۳۹) آیه قرآن کریم که سلام در شکل‌های سلام، سلاماً، السَّلام، السَّلَام، دارالسَّلام، سُبُل السَّلام، و نیز سایر مشتقات اسمی و فعلی این کلمه، رفته مشخص گردید معانی تحیت و درود، امنیت و عافیت و سلامت و رحمت و برکت معانی غالب برای سلام در آیات متعدد قرآن کریم است.
- ۲- خداوند کریم در برابر سخنان لغو و بیهوده جاهلان در آیات زیر به گفتن سلام امر فرموده‌اند. در این آیات ضمن مشاهده معنای امان، معانی دیگری نظیر اعلام ترک

گفتگو ، خداحافظی محترمانه و بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری دیده می‌شود.

الف-: وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ  
لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ. (القصص / ۵۵)

ب-: فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ. (الزخرف / ۸۹)

ج-: وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا. (الفرقان / ۶۳)

۳- حضرت ابراهیم (ع) در مقابل تهدید پدر و بدیش به او سلام می‌کند؛ سلامی که در آن احسان و امنیت هست و به او وعده استغفار می‌دهد تا از پروردگارش برای او طلب آمرزش کند. اما اینکه سلام کرد چون سلام دأب و عادت بزرگواران است ، با تقدیم آن جهالت پدر را تلافی کرد. (ترجمه المیزان ، ج ۱۴ ، ص ۷۹) صاحب تفسیر المیزان رای مفسرانی را که گفته اند منظور از سلام در آیه: «قال سلام عليك سَأَسْتَغْفِرُكَ رَبِّي أَنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا» (مریم/۴۷) خداحافظی و تحیت جدایی بوده و حضرت ابراهیم خواسته است امر پدر را که گفت: «و اهجرني» اطاعت کند ، حرف صحیحی نمی‌داند ، چون او (ابراهیم) بعد از مدتها که از این گفت و شنود گذشت از قوم خود دوری گزید.

با توجه به آنچه از تفاسیر مختلف علمای شیعه و اهل سنت در دوره های مختلف و با مشارب متفاوت مطرح گردیده و مطالب آمده در بسیاری تفاسیر دیگر که به سبب تکرار از ذکر آنها خودداری می‌گردد نتایج زیر به دست می‌آید:

۱-۳- به طور کلی و در مجموعه تفاسیر موجود در تحلیل و تفسیر سلام در آیه ۴۷

سوره مریم سه نظر دیده می‌شود.

الف- تعداد زیادی از مفسران این سلام را سلام تودیع و متارکه و مهاجره و مباحده ، مفارقه ، تحیت و جدایی می‌دانند که تعدادشان بسیار است. تفسیر روح البیان ، ج ۵ ، ص ۳۳۷ / مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵ ، ص ۱۷۶ / زبده التفاسیر ، ج ۴ ، ص ۱۸۳ / الوجیز فی التفسیر القرآن، ج ۲ ، ص ۲۶۳ / کشف الاسرار وعده الابرار، ج ۶ ، ص ۵۳ / الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲ ، ص ۷۴۲ / تبیین القرآن، ج ۱ ، ص ۳۲۰ / تفسیر الصافی،

ج ۳، ص ۲۸۳ / جوامع الجوامع، ج ۲، ص ۳۹۸ / تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۲۲

ب- تعداد زیادی از مفسران و از جمله صاحب تفسیر المیزان برخلاف نظر بسیاری مفسران این سلام را سلام احسان و امنیت و سلامت و اکرام و دعا دانسته اند. المیزان، ج ۴، ص ۷۹ / تفسیر سور آبادی، ج ۲، ص ۴۸۳ / برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۹۴ / اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۴۹ / البیان فی التفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۳۱ / المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۴، ص ۶۹ / تفسیر عاملی، ج ۶، ص ۷۰ / تقریب القرآن الی الاذهان، ج ۳، ص ۴۴۵

ج- عده ای از مفسران هم هر دو تحلیل را بیان کرده اند و گاه یکی را بر دیگری برتری داده اند. فخرالعرفان در تفسیر قرآن، ج ۸، ص ۱۳۶ / مقتضیات الدور و ملتقات التمر، ج ۶۷، ص ۳۵ / المرسوعه القرانیه، ج ۶۰، ص ۲۷۷ / تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، ج ۳، ص ۷

۲-۳- علامه طباطبایی در تفسیر المیزان برای اثبات ادعای خود در زمینه در نظر گرفتن معانی احسان و امنیت برای سلام در آیه ۴۷ سوره مریم می فرماید: حضرت ابراهیم سالها بعد از این گفت و شنید از قوم خود دوری گزید و نمی توان این سلام را سلام خداحافظی و تودیع به حساب آورد.

برخی از مفسرین با اشاره به اینکه در اخبار آمده که چون ابراهیم (ع) قصد مهاجرت کرد، آذر به او گفت: از رفتن ملول نباش که خدای نیک داری و او تو را نخواهد گذاشت، ابراهیم باز به ایمان او امیدوار شد و به او سلام کرد.

گروه دیگری از مفسرین آیه: «و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» را پایه نظر خود قرار داده و گفته اند حضرت ابراهیم به پدر بت پرستش سلام گفته چون دأب بزرگواران و حکیمان همین است که به جواب سفاهت سفیهان سلام گویند تا سلامت یابند.

با توجه به آنچه گفته شد بی شک سلام در آیه (۴۷) سوره مریم دربردارنده معانی احسان و امنیت و اکرام است. آیه های مکرر قرآن کریم درباره اکرام و احسان به والدین و گذشت و حلم و محبت زاید الوصف پیامبران نسبت به انسانها و تعهد الهی آنان در هدایت



بشر و این که آنان مظهر رحمت خداوند هستند ایجاب می کند که از ایشان جز خیر و سلامت و احسان و امان بر دیگران نرسد و قهر و لطفشان تابع خواست و اراده الهی باشد.

۳-۳- نکته نقل شده از تفسیر آسان (از تفاسیر قرن چهارم) مبنی بر اینکه حضرت ابراهیم (ع) به زبان غیر عربی پاسخی به (آذر) داده باشد، که جمله (سلام علیکم) حاوی مضمون آن باشد، نکته تازه ای است که در دیگر تفاسیر یافت نمی شود و البته جای تامل دارد.

۳-۴- دو مفسری که در چارچوب تعیین معنای سلام در آیه ۴۷ سوره مریم، اشاره کرده اند: که در اخبار آمده که چون ابراهیم قصد مهاجرت کرد، آذر به او گفت از رفتن ملول نباش که خدای نیک داری و او تو را وا نخواهد گذاشت. یکی ملافتح... کاشانی صاحب تفسیر شیعی خلاصه المنهج در قرن دهم است و دیگری حسین بن احمد حسینی شاه عبدالعظیمی از علمای شیعی قرن چهاردهم است.

۳-۵- بیشتر تعابیر در تفاسیری که قائل به معانی تودیع و خداحافظی برای سلام در آیه ۴۷ سوره مریم هستند تکراری می باشند و نکته نو و قابل توجهی دیده نمی شود.

۳-۶- در همین بررسی کوتاه مقایسه ای درباره تفسیر یکی از آیات قرآن کریم، جامعیت تفسیر المیزان و برتری آن بر سایر تفاسیر مشخص می گردد.

۳-۷- ابن عربی این سلام را به معنای بیرون آمدن ذات انسان از حجابهای جسمانی، به عنایت الهی می داند. (تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۱۰)

۴- با توجه به آنچه که در اکثر تفاسیر آمده و به جهت پرهیز از درازای سخن به تک تک آنها اشاره نمی کنیم درباره معنای «دارالسلام» در آیات (سوره انعام) و (سوره یونس) دو گونه تفسیر دیده می شود.

الف- گروهی از مفسرین و از جمله صاحب تفسیر المیزان (ج ۷، ص ۴۷۶)، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۸، ص ۲۷۰)، برگزیده تفسیر نمونه (ج ۱، ص ۶۴۷)، تفسیر نور (ج ۳، ص ۳۵۱)، تفسیر روح البیان (ج ۳، ص ۱۰۲) و بسیاری مفسران دیگر، دارالسلام را به معنای بهشت و محلی که در آن هیچ آفتی از قبیل مرگ، مرض، فقر و

هیچ عدم و فقدان دیگری و هیچ غم و اندوهی واردین را تهدید نمی کند می دانند.

ب- گروهی دیگر از مفسرین و از جمله صاحب تفسیر کشف الاسرار و عده الابرار (ج ۳، ص ۴۸۳) و صاحب تفسیر جوامع الجامع (ج ۲، ص ۲۵۳) و تفسیر عاملی (ج ۴، ص ۴۹) و برخی تفاسیر دیگر سلام را نام خداوند و دارالسلام را دارالله و جنه الله می دانند. علامه طباطبایی سخن این گروه را رد کرده و چنین می فرماید: این تفسیر با سیاق آیه سازگار نیست و مرجع های جمعی که در آیه است، بطوری که گفته می شود کلمه قوم در «لقوم یذکرون» است، چون این کلمه از کلمات دیگری که ممکن است مرجع باشد به ضمائر مزبور نزدیک تر است.

لیکن دقت در آیه، رجوع ضمائر به هدایت یافتگان مذکور در آیه قبل را تایید می کند. چون آیات مورد بحث در مقام بیان احسانی است که خدا به هدایت یافتگان می کند. پس ناگزیر باید ضمائری که در وعده مزبور است نیز به آن برگردد و اگر در میان آیات ذکری از قوم نامبرده به میان آمده تبعی بوده نه بالاصاله (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۷۶)

ج- برخی تفسیرها که بهتر است نام آنها را تفسیرهای ناقل بگذاریم هم به هر دو صورت معنایی اشاره کرده اند.

نتیجه: با عنایت به آنچه که در اکثر تفاسیر آمده و نظر تحلیلی علامه طباطبایی، دارالسلام همان بهشت است و معنای سلام به طوری که از سیاق آیه بر می آید دور بودن از آفات ظاهری و باطنی است.

۵- درباره سُبُل السَّلَام، ترکیب قرآنی ذکر شده در آیه ۱۶ سوره مائده که بر اساس قول غالب، آخرین سوره قرآن کریم است، نکته های قابل توجهی از سوی مفسران نقل گردیده از نظر معنایی در اکثر تفاسیر، «سُبُل السلام»، راههای سلامت و سلامت از عذاب و ظلمتها و راه دارالسلام است و گفته اند سلام نام حق تعالی است، یعنی طریق موصله به جانب احدیت که موجب سلامتی از آفاتست و رسیدن به درجات عالیات و آن شرایع اسلام است. (تفسیر منهج الصادقین، ج ۳، ص ۲۰۸) و راه سلامت در دین و سلامت در

دنیا و در آخرت (تقریب القرآن الی الازدهان، ج ۱، ص ۶۳۱) و راه امن و طریق نجات و راه رضا و تسلیم است.

علامه طباطبایی (ره) در خصوص تفسیر «سبل السلام» تحلیل قابل توجهی را ارائه می دهد که خلاصه آن این است:

الف- خداوند شرط کرده که تنها کسانی را هدایت می کند که خوشنودی خدا را دنبال کنند.

ب- معنای هدایت در اینجا هدایت به معنای رساندن به مقصد است، نه هدایت به معنای نشان دادن راه، و آن این است که پیرو رضوان خود را در راهی از راههای سلام خود و یا در همه راههای سلام خود کند و یا در بیشتر آن راهها یکی پس از دیگری بسازد. ج- راههای خدایی بسیارند ولی برخلاف راههای خدایی همه آنها به یک راه (صراط مستقیم) منتهی می شوند.

د- خداوند صفت سلام را برای راههای خود به طور اطلاق و بدون قید آورده است، تا بفهماند سیل او سالم از انحای شقاوتها و محرومیت هایی است که امر سعادت زندگی دنیایی و آخرتی بشر را مختل می سازد و راههای سلام او آمیخته با هیچ نوع شقاوتی نیست.

ه- قهراً این آیه شریفه موافق می شود با اوصافی که قرآن کریم برای اسلام و تسلیم خدا شدن و نیز برای ایمان و تقوا آورده از قبیل: فلاح، فوز، امن

و- خداوند به حسب اختلافی که بندگان در سیر به سوی او دارند، راههای بسیار دارد که همه آنها در یک راه به هم می پیوندند و آن یک راه منسوب به خود اوست که در کلام مجیدش آن را صراط مستقیم نام نهاده. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۳۹۹)

۶- در آیه شریفه: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلّموا تسلیماً» (احزاب، ۵۶) خداوند و ملائکه به پیامبر درود می فرستند و خداوند به اهل ایمان امر می کند که بر پیامبرش هم درود فرستند و هم سلام کنند. این سلام بر پایه آنچه که در اکثر تفاسیر آمده و در ظاهر آیه هم نمود دارد سلام تسلیم است، که: «الرسول اولی

بالمومنین من أنفُسِهِمْ». او بر آنان ولایت دارد و شرط پذیرش ولایت تسلیم است. و اینکه خداوند و ملائکه در این آیه بر پیامبر درود می فرستند (يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ) و به مومنان فرمان می دهد که در کنار «صَلُّوا»، «سَلِّمُوا» را به کار برند و بر وجود پاک آن حضرت سلام دهند، به این خاطر نیست که خداوند و ملائکه فقط بر پیامبر درود می فرستند (یصلون) و سلام نمی کنند که به استناد آیات مکرر و از جمله آیات (۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۰ و ۱۸۱) صوره صفات، خداوند بر پیامبران و رسولان خود سلام کرده و سلام یکی از نامهای خداوند است و ملائکه بر پیامبران و مومنین سلام می کنند، بلکه به این خاطر است که معنای سلام در این آیه تسلیم است و تنها مومنان باید تسلیم پیامبر باشند و خداوند و ملائکه تسلیم پیامبر (ص) نیستند. ملائکه تنها تسلیم فرمان خداوند هستند و تنها از او فرمان می گیرند و خداوند هم ذات مطلق لایزالی است که همه موجودات عالم تسلیم او هستند. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که علامه طباطبایی معنای صلاه را در این آیه انعطاف معنی کرده اند، انعطاف و برگشتن خدا به سوی بنده اش تا به وی رحمت کند و صلاه ملائکه برای پیامبر (ص) انعطاف آنان به سوی پیامبر (ص) است تا واسطه رحمت خداوند شوند. (ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲) و نیز (ج ۱، ص ۳۴۵)

۷- تفاوت سلام و امن: علامه طباطبایی در تفسیر آیه (۲۵) سوره یونس درباره واژه های سلام و امن می فرماید: ظاهراً واژه «سلام» و «امن» معنایی نزدیک به هم دارند؛ تنها فرقی که بین این دو ماده لغوی دیده می شود این است که سلام به معنای خود امنیت با قطع نظر از متعلق آن است ولی کلمه امنیت به معنای سلامتی و امنیت از فلان خطر است؛ به شهادت اینکه می توان گفت «فلانی در سلام و سلامتی است» و «فلانی از فلان خطر در امنیت است»، ولی نمی توان گفت: «فلانی در امنیت است» (ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۵۲)

الامان و الامن: ضد الخوف و الامانه ضد الخيانة و الايمان ضد الكفر و الايمان: بمعنی التصديق، ضده التکذیب. (لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱)

امن: الامن: ضد الخوف و الفعل منه: امن يامن اماً و المامن: موضع الامن و الامنه من الامن، اسم موضوع من امن و الامان: اعطا الامنه و الامانه: نقيض الخيانة و المفعول:

مامون و امین و موتمن من التمتنه و الایمان : التصدیق نفسه و قوله تعالی : و ما انت بمومن لنا «۴۹» ای : بمصدق و التامین . من قولك : آمین و هو اسم من اسماء اله (کتاب العین ، ج ۸ ، ص ۳۸۸)

اصل الامن : طمانینه النفس و زوال الخوف و الامن و الامانه و الامان فی الاصل مصادر. (همان ، جلد ۱ ، ص ۹۰) و (التحقیق ، ج ۱ ، ص ۱۵۰)

آمن : خاطر جمع ، کسیکه در او ایمنی است و یا شهری که ایمن است.  
ایمان : تسلیم توام با اطمینان خاطر. اگر گویند چرا بر خلاف اهل تفسیر ایمان را تسلیم معنی می کنید با آنکه طبرسی رحمه الله فرموده از هری می گوید : علما اتفاق دارند بر اینکه ایمان به معنی تصدیق است ، المیزان آن را اعتقاد در قلب معنی کرده و راغب تصدیق توام با اطمینان خاطر گفته است.

خلاصه سخن آنکه : ایمان پس از اعتقاد است ، شخص اگر پس از اعتقاد به عقیده اش تسلیم شد مومن است. (قاموس قرآن خلاصه صفحات ۱۲۱ تا ۱۲۸)

۸- در بین آیات سلام آیاتی دیده می شود که همراه سلام تحیت هم آمده است. در آیه ۱۰ سوره یونس و ۲۳ سوره ابراهیم تعبیر «تحیتهم فیها سلام» نشانگر این است که تحیت اهل بهشت سلام است چه تحیتی که از خدای سبحان به آنها می رسد یا تحیتی که از جانب فرشتگان به آنها می رسد و هم تحیت خودشان به یکدیگر در این آیات.

این تحیت به تعبیر صاحب تفسیر البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن «خیر التحیات» است و تنها تحیت قولی نیست بلکه تحیت قول و عمل است. (ج ۱ ، ص ۲۰۹)  
در این آیات تحیت در معنی عام و سلام در معنای خاص یعنی نوع خاصی از درود و تحیت و تعارف به کار رفته است.

در آیه (۴۴) سوره احزاب یعنی : «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَاَعْدَلُهُمْ اجْرًا كَرِيمًا» از ظاهر سیاق بر می آید که کلمه «تَحِيَّتُهُمْ» مصدری است که به مفعول خود اضافه شده است و معنایش این است که ایشان تحیت گفته می شوند ، یعنی روزی که پروردگارشان را ملاقات کنند از ناحیه او و از ناحیه ملائکه او ، به ایشان تحیت و سلام گفته می شود ، به

این معنا که ایشان در روز لقای خدا در امنیت و سلامتی هستند و هیچ مکروهی و عذابی به ایشان نمی رسد. (تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۹۴) از براء بن عازب روایت شده است که گفت: عزرائیل روح هیچ مومنی را نمی گیرد مگر آن که بر او سلام می کند. برخی می گویند: مقصود از سلام، سلام فرشتگان است هنگامی که مومنان از قبر بیرون می آیند بعضی گویند: سلام، هنگامی است که مومنان داخل بهشت می شوند چنان که خداوند می فرماید: «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» در حالی که فرشتگان از هر در وارد می شوند و می گویند سلام و تحیت بر شما باد. (ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۵، ص ۱۳۷) و (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، ص ۱۳۹) و (جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۲۳) و فی کتاب التوحید عن علی (ع) قوله: «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ» یعنی: «آنکه لا یزول الایمان عن قلوبهم یوم یبعثون» (تفسیر لاهیجی، ج ۳، ص ۶۴۲)

در آیه ۷۵ سوره فرقان: «اولئک یجزون العرفه بما صبروا و یلقون فیها تحیه و سلاما» مومنانی [که اوصاف آنها در آیات قبل آمده] درجه رفیع و قسمت بالای بهشت را پاداش گرفته و فرشتگان، ایشان را با تحیت و سلام دیدار می کنند. تحیت به معنای هر پیشکشی است که آدمی را خوشحال سازد و مراد از سلام هر چیزی است که در آن ترس و پرهیز نباشد و اگر این دو کلمه، یعنی تحیت و سلام را نکره آورد به منظور بزرگداشت آن بوده است. (ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۹)

تحیه و [سلاما] در مفهوم این عبارت سه قول است:

- ۱- تحیت یعنی خوش آمد گفتن و دعا کردن برای زندگی (کسی) یعنی فرشتگان به مومنان خوش آمد می گویند و به آنها سلام می کنند.
- ۲- یعنی بعضی از مومنان به بعضی دیگر خوش آمد می گویند و آن دیگری سلام می کند. در این مورد قولی هم هست که خداوند به آنها درود می فرستد.
- ۳- یعنی خداوند به آنها، عزت بزرگ و جاودانی با سلامتی از هر بلایی، عطا می فرماید. (ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۴، ص ۳۸۸)

اینکه آیا (تحیت) و (سلام) در اینجا دو معنی دارند یا یک معنی در میان مفسران

گفتگو است. ولی با توجه به اینکه تحیت در اصل به معنی دعا برای زندگی و حیات دیگری است و سلام از ماده سلامت و به معنی دعا برای کسی است، بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که واژه اول به عنوان درخواست حیات است و واژه دوم برای توأم بودن این حیات با سلامت است. هر چند گاهی ممکن است این دو کلمه به یک معنی بیاید.

البته (تحیت) در عرف معنی وسیع‌تری پیدا کرده و آن هر گونه سخنی است که در آغاز ورود به کسی می‌گویند و مایه خوشحالی و احترام و اظهار محبت نسبت به او می‌باشد - نمونه. (تفسیر آسان، ج ۱۴، ص ۲۸۲)

تحیه دعاء و تبشیراً بخلودهم فی حیاة الجنة و «سلاما» کلاماً و غیر کلام، فانهم هناک فی دار السلام.

(الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲۱، ص ۳۴۳)

تحیه خلود حیاة و سلاماً سلامه و برائه عن الافات (تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۹۱)  
۹- در آیه ۶۱ سوره نور هم در پایان آیه عبارت: (فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلٰی أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ) آمده است.

خداوند بعد از آنکه گفتگو از خانه‌ها را به میان آورد ادب دخول در آن را متفرع بر آن نموده و فرمود:

و چون داخل خانه‌ها شوید بر خود سلام کنید و مقصود از سلام کردن بر خود، سلام کردن بر هر کسی است که در خانه باشد؛ در اینجا نیز اگر نفرمود بر اهل آن سلام کنید خواست یگانگی مسلمانان یا یکدیگر را برساند، چون همه انسانند و خدا همه را از یک مرد و زن خلق کرده علاوه بر این همه مومنانند و ایمان ایشان را جمع کرده، چون ایمان قوی‌تر از رحم، و هر عامل دیگری برای یگانگی است.

و بعید هم نیست که مراد از جمله «فَسَلِّمُوا عَلٰی أَنْفُسِكُمْ» این باشد که وقتی کسی داخل بر اهل خانه‌ای شد، بر آنان سلام کند، و ایشان جواب سلامش را بدهند.

جمله «تحیه من عند الله مبارکه طیبه» حال است، یعنی در حالی که سلام تحیتی است از ناحیه خدا، چون او تشریحش کرده و حکمش را نازل ساخته تا مسلمانان، با آن

یکدیگر را تحیت گویند، و آن تحیتی است مبارک و دارای خیر بسیار، و ما بقی و طیب، چون ملایم با نفس است. آری، حقیقت این تحیت گسترش امنیت و سلامتی بر کسی است که بر او سلام می کنند، و امنیت و سلامتی پاکیزه ترین چیزی است که در میان دو نفر که به هم بر می خورند برقرار باشد.

وقتی داخل خانه ای می شوید بر یکدیگر سلام کنید. پس نظیر «ان اقتلوا انفسکم» است یکدیگر را بکشید (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۷۳)

هر گاه داخل خانه هایی شدید برخوردتان سلام کنید، سلامی که تحیت و درود مبارک و طیبی است از طرف خدای مهربان. مفسران در اینکه منظور از کلمه (بیوتاً) کدام خانه هاست اقوال و گفتگوهایی دارند و نقل سخنان ایشان به طول می انجامد، گرچه خدا می داند، ولی آنچه مولف احتمال قوی می دهد این است که کلمه (بیوتاً) هم شامل خانه هایی می شود که در صدر این آیه گفته شده و هم شامل دیگر خانه ها، از جمله گواهان بر آنچه گفتیم این است که کلمه (علی انفسکم) قرینه بر خانه های صدر آیه می باشد، زیرا اهل آن خانه ها همچون جان و خود انسان هستند.

و کلمه (بیوتاً) برای اینکه نکره است عمومیت دارد و شامل دیگر خانه ها می گردد. و نیز مفسران، راجع به کلمه (علی انفسکم) سخنانی دارند که آیا منظور از آن کیست و چیست؟ بعضی فرموده اند مقصود از آن اهل و عیال خود انسانند که به منزله نفس و جان انسان به شمار می روند و قسمتی از آیه (۶۱) سوره آل عمران این معنی را تایید می کند (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ... أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ) یعنی به یهودیان بگو، بیاید تا... نفس و جانهای خود را (برای مباحله و نفرین) دعوت کنیم. زیرا چون پیامبر اسلام (ص) جز علی و زهرا و حسنین (علیهم السلام) را برای مباحله نیاورد پس معلوم می شود اهل خانه ایشان به منزله نفس و جان او خواهند بود. بعضی دیگر از مفسران گفته اند:

منظور از کلمه (علی انفسکم) فقط خود انسان است به این معنی که هر گاه انسان داخل خانه هایی شد که کسی در آنها نیست به خویشتن سلام کند و بگوید:

السلام علینا من قبل ربنا، یعنی از طرف پروردگاران سلام بر ما باد. یا اینکه بگوید:



«السلام علينا و على عباد الله الصالحين»، یعنی سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار خداوند - مولف - و از حضرت باقر(ع) تعبیری لطیف نقل شده که خواندن آن بسیار لازم است و قابل توجه و آن اینکه آن حضرت می فرماید:

هو تسليم الرجل على اهل البيت حين يدخل، لم يردون عليه. فهو سلام مكتم على انفسكم.

یعنی منظور از کلمه (علی انفسکم) این است که هرگاه انسان، داخل خانه خود شود و بر اهل خانه خود سلام کند، و آنان آن سلام را بر خود او برگردانند. این است سلام بر نفس خودتان - نور - همان گونه که بارها گفته ایم و خواننده ایم یکی از معجزات و فصاحت و بلاغت های قرآن مجید این است که در اینگونه موارد، جمله یا لفظی را به کار می برد که با چند معنی و چند موضوع مناسبت و سازش دارد. (تفسیر آسان، ج ۱۴، ص ۱۵۴)

پس سلام کنید بر اهل خانه. حضرت صادق (ع) می فرماید: مراد سلام کردن مرد است بر اهل خانه وقتی داخل شود. پس رد که می کنند و جواب که می دهند سلام شماست بر نفس شما. این تحیتی است از جانب خدا که تحیت فرموده است شما را به آن. (تفسیر اثنی عشری، ج ۹، ص ۲۸۷ و ۲۸۸)

۱۰- در آیه ۲۰۸ سوره بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتُ الشَّيْطَانِ انه لكم عدو مُبين» خداوند اهل ایمان را فرمان می دهد همگی در «سَلَم» داخل شوند.

کلمات سَلَم و اسلام و تسلیم هر سه به یک معنا است و کلمه (کافه - همگی) مانند جمیعاً تاکید را افاده می کند و چون خطاب به مومنین بوده و مومنین مامور شده اند همگی داخل سَلَم شوند پس در نتیجه امر در آیه مربوط به همگی و به یک یک افراد جامعه است. هم بر یک یک افراد واجب است و هم بر جمیع که در دین خدا چون و چرا نکنند و تسلیم امر خدا و رسول او گردند.

و نیز از آنجایی که خطاب به خصوص مومنین شده، آن سَلَمی هم که به سُویش

دعوت کرده به معنای تسلیم در برابر خدا و رسول شدن است و امری است متعلق به مجموع امت و به فرد فرد آنها، پس هر یک یک مومنین واجب است و هم بر مجموع آنان.

پس سلمی که بدان دعوت شده اند عبارت از تسلیم شدن برای خدا، بعد از ایمان به اوست. پس بر مومنین واجب است امر را تسلیم خدا کنند و برای خود صلاح دید و استبداد به رای قائل نباشند و به غیر آن طریقی که خدا و رسول بیان کرده اند طریقی دیگر اتخاذ نمایند؛ که هیچ قومی گمراه نشد مگر به خاطر همین که راه خدا را رها کرده، راه هوای نفس را پیمودند، راهی که هیچ دلیلی از ناحیه خدا بر آن نداشتند. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۵۲)

«سلم» با کسر و فتح به معنی صلح است و به هر دو حرکت قرائت شده است و مقصود از ایمان اسلام است که با بیعت عمومی و قبول دعوت ظاهری حاصل می شود.

و مقصود از سلم، ولایت و بیعت خصوصی و قبول دعوت باطنی است و این معنی «سلم» نامیده می شود چون کسی به سبب پذیرش دعوت باطنی و قبول ولایت در ایمان حقیقی داخل شده، به تدریج برای او صلح کلی با همه موجودات حاصل می شود، و با هیچ یک از آنها در هیچ چیز منازعه نمی کند (ترجمه بیان السعاده، ج ۲، ص ۴۲۹)

«ربیع و بلخی» این قول را اختیار کرده اند و هر یک از دو معنای فوق ممکن است مراد از آیه کریمه باشد ولی جمله آیه بر اطاعت و فرمانبری خدا عمومیت بیشتری دارد و شامل آنچه اصحاب ما نقل کرده اند که مقصود از «سلم» ولایت است نیز می باشد. (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷۰)

«السلم» دین مبین اسلام باشد (تفسیر آسان، ج ۲، ص ۱۴)

«السلم» به فتح و کسر سین [هر دو قرائت شده است] ابو عیبه گوید:

سلم به کسر و «اسلام» به یک معناست و «سلم» به معنای طلب صلح و آرامش است.

در معنای «ادخلوا فی السلم» دو قول است:

۱-۱۰- مقصود داخل شدن در اسلام و اطاعت از فرمان خدا است.

- ۲-۱۰- اصحاب ما نقل کرده اند که منظور از وارد شدن در «ولایت» است. (ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۶۶)
- در آیه ۳۵ سوره محمد (ص): «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ...» «سَلْمٌ» با فتح (سین) آمده که معنای آن با «سَلْمٌ» با کسر (سین) تفاوتی ندارد.
- ۱۱- در آیات «۹۰ و ۹۶ نساء» و «۲۸ و ۸۸ نحل» کلمه «السَّلْمُ» در معنای تسلیم به کار رفته است. علامه طباطبایی در ذیل آیه (۹۰، نساء) بحث تحلیلی بسیار جامع و زیبایی درباره سلام در عرصه مراودات اجتماعی دارند که در بخش های بعدی این پژوهش به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.
- ۱۲- در زمینه سلام فرستندگان و مخاطبان سلام در قرآن کریم، با مجموعه بررسی های صورت گرفته بر روی آیاتی که سلام در آنها به کار رفته است، نتایج زیر به دست آمد:
- الف- خداوند کریم در دو آیه به پیامبر (ص) دستور سلام می دهد. اول در آیه (۵۴، انعام) که خداوند به پیامبر (ص) دستور می دهد به کسانی که به آیات الهی ایمان آورده اند سلام فرستد: «وَإِذْ جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ...».
- همچنین خداوند در آیه ای دیگر به پیامبر (ص) فرمان می دهد که از کافران روی گرداند و بر آنها سلام کند. سلامی که متضمن معنای وداع و خداحافظی است.
- «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (الزخرف، ۸۹)
- بر این اساس خداوند در قرآن کریم دوبار به پیامبر اعظم (ص) فرمان داده است که سلام کند، یک بار به اهل ایمان که این سلام، سلام تحیت و امنیت و رحمت است. (ر.ک: ترجمه البیان، ج ۸، ص ۱۰۸)
- و بار دوم بر کافران و کسانی که به آیات الهی ایمان نمی آورند که این سلام، سلام وداع و خداحافظی است. (ر.ک: ترجمه مجمع البیان، ج ۲۲، ص ۲۷۹ و ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۱۹۳)
- ب- سلام فرستندگان و مخاطبان سلام در قرآن کریم عبارتند از:

مخاطبان سلام	سلام فرستندگان
۱- ایمان آورندگان به آیات الهی، مومنین، متقین، عباد الهی الذین اصطفی، من اتبع الهدی	۱- خداوند کریم
۲- پیامبر اعظم (ص)	۲- فرشتگان
۳- حضرت نوح (ع)	۳- پیامبر اعظم (ص)
۴- حضرت ابراهیم (ع)	۴- حضرت عیسی (ع)
۵- حضرت موسی (ع) و هارون	۵- حضرت ابراهیم (ع)
۶- حضرت عیسی (ع)	۶- اهل بهشت
۷- حضرت یحیی (ع)	۷- اهل اعراف
۸- ال یاسین (الیاس و پیروان او یا الیاس که نام دیگرش آل یاسین است)	۸- نگهبانان بهشت
۹- کفار، جاهلان	۹- عباد الرحمن
۱۰- پیامبران الهی	۱۰- مومنون

ج- در جدول زیر فهرست آیاتی که سلام در شکل خطابی در آنها به کار رفته آورده شده است:

مخاطب سلام	سلام فرستنده	سوره و آیه
ایمان آورندگان به آیات الهی	پیامبر (به فرمان خداوند)	الانعام ۵۴
اهل بهشت	اهل اعراف	الاعراف ۴۶
اهل بهشت (وقتی یکدیگر را می بینید یا تحیت و درود از جانب خدای تعالی، با تحیت و درود فرشتگان برای آنها)	اهل بهشت	یونس ۱۰
ابراهیم (ع) و متقابلاً ابراهیم به ملائک	فرشتگان (جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و کروبیل)	هود ۶۹
مومنین - اهل بهشت	ملائکه	الرعد ۲۴

اهل بهشت	اهل بهشت ، فرشتگان ، خداوند	ابراهیم ۲۳
پرهیزگاران (وقتی جانشان می گیرند می گویند سلام بر شما به بهشت آید)	فرشتگان	النمل ۳۲
حضرت یحیی (ع)	خداوند	مریم ۱۵
حضرت عیسی (ع)	حضرت عیسی (ع)	مریم ۳۳
آزر	ابراهیم (ع)	مریم ۴۷
اهل بهشت در بهشت سخن لغوی نمی شنوند مگر سلام	خدا ، فرشتگان	مریم ۶۲
عباده الذین اصطفی	خداوند	النمل ۵۹
جاهلین ، یهوده گویان	مومنون	القصص ۵۵
مومنین (روز رستاخیز)	خداوند	الاحزاب
مومنین	خداوند	یس ۵۸
نوح (ع)	خداوند (فرشتگان و جن و انس)	الصافات ۷۹
ابراهیم (ع)	خداوند (فرشتگان و جن و انس)	الصافات ۱۰۹
موسی (ع) و هارون	خداوند (فرشتگان و جن و انس)	الصافات ۱۰۲
آل یاسین (الیاس و پیروان او یا الیاس که نام دیگرش آل یاسین است)	خداوند (فرشتگان و جن و انس)	الصافات ۱۰۳
پیامبران	خداوند	الصافات ۱۸۱
متقین	نگهبانان بهشت	الزمر ۷۳
کفار (سلام وداع)	پیامبر (به فرمان خداوند)	الزخرف ۸۹
ابراهیم (ع) - ملائکه	ملائکه - ابراهیم (ع)	الذاریات ۲۵
ابراهیم (ع)	فرشتگان	الحجر ۵۲
ابراهیم (ع) - واسطه پیام آتش است.	خداوند	الانبیا ۶۹
جاهلون	عباد الرحمن	الفرقان ۶۳
متقین	فرشتگان	الفرقان ۷۵
علی من اتبع الهدی	فرشتگان از جانب خدا	طه ۴۷



ب: در هیچ یک از صورتهای فعلی بالا، صیغه مونث دیده نمی شود.

ج: فعلهای بالا از نوع ماضی، مضارع، امر، مجهول می باشند.

۱۴- علامه طباطبایی در تفسیر آیه: «وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ...» (انعام، ۳۵) یعنی اگر انکار و اعتراض آنها تو را سخت و گران می آید اگر توانی نقبی به زمین بزنی یا نردبانی بر آسمان برافرازی. (تا آیتی بر آنها آوری او اگر خدا می خواست همه را مجتمع بر هدایت می کرد. پس تو البته از جاهلان مباش)

درباره کلمه «سَلَّمَ» از قول راغب نقل می کند که «سلم» در لغت چیزی را گویند که در مواقع خطر به وسیله آن می توان به مکانهای بلند بر آمده و سلامت خود را حفظ نمود. آن گاه این لفظ اسم شده برای هر چیزی که آلت بالارفتن و وسیله آن باشد. خدای تعالی فرموده: «أَمْ لَهُمْ سَلْمٌ يَسْتَمِعُونَ» (تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۹۰)

۱۵- برای اینکه خوانندگان در یک نگاه بتوانند سیمای سلامهای به کار رفته در قرآن کریم را مشاهده نمایند، در این بخش بر پایه تعدد سلامهای به کار رفته در هر سوره، به ترتیب نام سوره و آیات مربوط را بیان کرده ایم.

در این بخش مینا کلمه های سلام، «سُبُلُ السَّلَامِ وَ دَارُ السَّلَامِ» بوده است و سایر صورتهای هم خانواده، بویژه صورتهای فعلی لحاظ نگردیده است.

با نگاهی بر این درختواره سلامی نتایج زیر مشاهده گردید:

الف- از (۲۶) سوره قرآن کریم که سلام در آنها به کار رفته، (۲۱) سوره «مکی» و (۵) سوره «مدنی» است.

ب- سوره صفات، با (پنج) سلام و سوره مریم با (چهار) سلام، بیشترین سلامهای قرآن را به خود اختصاص داده اند.

به تعبیر علامه طباطبایی سوره صفات، اولین سوره در قرآن کریم است که با سوگند آغاز شده است. خداوند در این سوره به بسیاری از موجودات از قبیل آسمان، زمین، خورشید، ماه، ستاره ها، شب، روز، ملائکه، مردم، شهرها و میوه ها سوگند یاد کرده و

این نیست مگر به خاطر شرافتی که در آنها هست، چون مخلوق خدایند و خدا قیوم آنهاست. همه این سوگندها به خاطر جمله «ان الهکم لواحد» است. می خواهد بفرماید به آنچه ذکر شد سوگند که معبود شما انسانها یکی است و این کلامی است که دلیل خود را همراه دارد.

اولین سلام خداوند در این سوره، شامل حضرت نوح (ع) می گردد، او که در بین بشر، اولین کسی است که به دعوت توحید و مبارزه علیه شرک و آثار شرک که همان اعمال زشت است قیام کرده است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۲۲۱)

دومین سلام در این سوره شامل حال حضرت ابراهیم (ع) می گردد. سومین سلام شامل حال حضرت موسی (ع) و هارون (ع)، چهارمین سلام در حق حضرت الیاس (ع) (یا آل یاسین که صورت دیگر الیاس است) و در نهایت سلام بر همه پیامبران الهی.

در سوره مریم آیه ۱۵ (وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يَبْعَثُ حَيًّا) خداوند کریم بر حضرت یحیی (ع) سلام می فرستد در ابتدای هر یک از عوالم و مراحل گذار. روزی که متولد می شود و روزی که می میرد و روزی که دوباره زنده می شود. این سلام بیش از هر چیز پیام امنیت و عافیت از جانب خداوند برای حضرت یحیی (ع) در سه مرحله یخوف و خطری است که جز سلام الهی، خیر دیگری نمی تواند انسان را به آرامش برساند. (ر.ک، ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۲۵) در آیه ۳۳ سوره مریم (وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا) حضرت (ع) بر همان شیوه ای که خداوند بر حضرت یحیی (ع) سلام فرستاد بر خود سلام می فرستند که مفسرین با توجه به نکره بودن سلام در مورد حضرت یحیی (ع) آن را سلامی خاص و سلام حضرت عیسی در حق خود را به معنای عام تلقی کرده اند. (ر.ک، ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۶۲)

برخی مفسرین گفته اند لام تعریف در السلام اشاره به چیزی است که پس از این (درباره حضرت یحیی (ع)) ذکر شد چنان که می گوئیم: جاء رجل و كان من فعل الرجل کذا... بر این اساس معنی آیه این گونه می شود: سلامی که قبلاً راجع به یحیی در موارد سه گانه ذکر شده است برای من نیز هست. (ر.ک، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۴،



ص ۳۸)

صاحب مجمع البیان می گوید: از این آیات بر می آید که انسان می تواند حق را به صفات نیکو بستاید به شرط آنکه منظور شناساندن باشد نه افتخار و مباحات (ترجمه مجمع البیان، ج ۱۵، ص ۱۶۶)

به هر شکل سلام در این آیه هم متضمن معنای امنیت و عافیت است با توجه به آنچه گفته شد در دو سوره صافات و مریم مجموعاً سلام در مورد چهار تن از انبیای اولوالعزم الهی یعنی حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) اختصاص یافته است و در آیه ای (سلام علی المرسلین) نهایت بر همه پیامبران الهی سلام فرستاد شده است.

در بین سایر انبیاء به صورت خاص حضرت یحیی (ع) و حضرت الیاس (ع) و هارون (ع) سلام شده است و این فضیلتی بزرگ برای سه پیامبر غیر اولوالعزم است که بررسی علل و ابعاد آن نیاز به تحقیقی مستقل دارد.

درباره پیامبر حضرت ختمی مرتبت به عنوان پنجمین و آخرین پیامبر اولوالعزم آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» و آیه (و سلام علی المرسلین) که آن حضرت عصاره فضایل همه انبیاء الهی است، اختصاص صلوات، سلام الهی بر پیامبر خاتم را مبرهن می سازد. ضمن آنکه آن حضرت از جانب خداوند مامور است تا سلام الهی را بر مومنین ابلاغ کند: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ». (انعام، ۵۴)







### فهرست منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن عباس، تفسیر القرآن، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۴م، [بی جا].
- ۲- ابن قتیبه، محمد، تفسیر غریب القرآن، به کوشش احمد صقر، بیروت، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م.
- ۳- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ هـ ق
- ۴- ابن عربی، ابو عبدالله محیی الدین، تفسیر ابن عربی، بیروت، احیاء اثار العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ ق
- ۵- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ ق
- ۶- بلاغی نجفی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ ق
- ۷- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ ق
- ۸- حقی بروسوی، اسماعیلی تفسیر روح البیان، بیروت، دارالکلیف
- ۹- حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن الی اذهان، تهران، انتشارات دارالعلوم، چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ ق
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفرد داستانی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق
- ۱۱- رشید الدین میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱

- ۱۲- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، تفسیر سورآبادی، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۸۰
- ۱۳- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ ق
- ۱۴- سیوطی، جلال‌الدین محلی، تفسیر الجلالین، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۳م، [بی‌جا].
- ۱۵- طباطبایی سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، ۱۳۷۷ش.
- ۱۶- طبری، محمد بن جریر، تفسیر القرآن، دارالمعرفه، [بی‌جا]، ۱۹۹۰م.
- ۱۷- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ ش
- ۱۸- عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ ق
- ۱۹- عبدالباقی محمدفؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن کریم، قاهره، ۱۳۶۴ق.
- ۲۰- فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـ ق
- ۲۱- قریشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن کریم، تهران، دارالکتب الاسلامیه چاپ ششم، ۱۳۷۱
- ۲۲- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸
- ۲۳- کاشانی، محسن، المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، ۱۴۱۵ق.
- ۲۴- کاشانی، ملافتح اله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶ هـ ش
- ۲۵- گروه مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰
- ۲۶- گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده، بیروت، موسسه

الاعلمی للمطبوعات ، چاپ دوم ، ۱۴۰۸ هـ ق

۲۷- لاهیجی ، محمد بن علی ، تفسیر شریف لاهیجی ، تهران ، دفتر نشر دار ، چاپ اول ، ۱۳۷۳

۲۸- مترجمان ، ترجمه تفسیر جوامع الجامع ، مشهد ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ، چاپ دوم ، ۱۳۷۷

۲۹- مترجمان ، ترجمه تفسیر طبری ، تهران ، انتشارات توس ، چاپ دوم ، ۱۳۵۶

۳۰- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، چاپ اول ، ۱۳۷۴

موسوی همدانی ، سید محمد باقر ، ترجمه تفسیر المیزان ، قم ، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ پنجم ، ۱۳۷۴ .

Archive of SID